



تفسیر تنزیلی و کارکردهای آن در حل مسائل

پای صحبت حجت الاسلام عبدالکریم بهجت پور، نویسنده تفسیر «هم‌گام با وحی»

اشاره

از سبک‌های نوپدید در تفسیر قرآن، سبک تفسیر تنزیلی (تفسیر بر اساس ترتیب نزول آیات) است، از کارشناسان و متخصصان معاصر این سبک تفسیری، حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم بهجت پور است که در تفسیر «هم‌گام با وحی» خود براساس این سبک، پیش‌رفت

و توانسته است از عهده کار برآید. وی در این تفسیر، با هدف کشف روش قرآن در مهندسی فرهنگی جامعه عصر نزول قرآن، به‌عنوان جامعه الگوی تحول و مهندسی فرهنگی، دست به تحقیق و پژوهش زده است.

خبرگزاری حوزه در گفت‌وگو با این محقق و پژوهشگر حوزه و نویسنده کتاب «تفسیر تنزیلی مبانی، اصول، قواعد و فواید»، اثر شایسته تقدیر شانزدهمین همایش کتاب سال حوزه، به بررسی مبانی این روش تفسیری و تفاوت آن با دیگر روش‌های تفسیری رایج و نقش آن در مهندسی فرهنگی جامعه پرداخته است که تقدیم شما خوانندگان گرامی مجله می‌شود.

Ⓔ ابتدا به اثر خود که به‌عنوان اثر شایسته تقدیر در کتاب سال حوزه شناخته شده است و نیز جایگاه تفسیر تنزیلی در صدر اسلام اشاره‌ای داشته باشید.

Ⓔ این کتاب شامل مبانی، اصول، قواعد و فواید مجموعه‌ای از مباحث نظری است که به سبک تفسیر و به ترتیب نزول قرآن کریم توجه دارد. سبک تفسیر به ترتیب نزول سابقه دیرینه‌ای دارد. به این معنی که هم‌سو با نزول قرآن و اقدام پیامبر(ص) در تبیین و تفسیر آیات قرآن است.

نبی مکرم اسلام(ص) به‌همان ترتیبی که آیات و سوره‌های قرآن برایشان نازل می‌شد، آن‌ها را برای مردم تلاوت، و تفسیر و تبیین می‌کردند. ولی بعد از گردآوری به شکل کنونی و موجود، تفسیرنگاری و تفسیرگویی به سبک‌های دیگری صورت گرفت. مرسوم‌ترین سبک آن به ترتیب آیات قرآن بوده که از سوره حمد شروع و به سوره ناس ختم می‌شده است.

از حدود یک قرن گذشته، رویکرد متفاوتی در سبک ترتیبی به‌وجود آمد و برخی مفسران متکی به مصحفی منسوب به حضرت علی(ع) بودند و گزارشی که نشان می‌داد، تفسیر حضرت علی(ع) به ترتیب نزول بوده است. لذا مسئله تفسیر به ترتیب نزول را مطرح کردند که تفسیر «بیان المعانی» ملا حویث آل‌غازی نخستین تفسیر به ترتیب نزول سوره‌های قرآن است که در دوره معاصر و قرن ۱۴ نوشته شده و کارهای علمی و پژوهشی فراوانی درباره آن صورت گرفته است. مرحوم آیت الله معرفت (قدس سره) در کتاب «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب» خود، در انتهای جلد دوم، وقتی روش‌های تفسیری معاصر

**اگر بپذیریم
قرآن متنی برای
فرهنگ‌سازی
است، باید
برای تحقق
آن بپذیریم
که مطالعه
قسمتی از قرآن
صرف نظر از
کیفیت نزول
تدریجی، شیوه
فرهنگ‌سازی
را در اختیار
ما نمی‌گذارد و
برای این کار،
باید به نزول
تدریجی قرآن
توجه کنیم**

را بررسی می‌کند، در تفسیر قرآن به تفسیر براساس ترتیب نزول هم اشاره کرده است. ایشان در این بخش از کتاب خود بیان داشته که در این روش تفسیری، سه تفسیر نگاشته شده است که البته این تفاسیر دردی را دو نکرده‌اند و مشکلی را حل نمی‌کنند.

بنده نیز با نظر ایشان موافق هستم؛ چرا که تقریباً در تمام سوره‌ها جابه‌جایی اتفاق افتاده و تلاش مفسر این نبوده است که با تغییر و جابه‌جایی سوره‌ها، مفاهیم و اهداف جدیدی را برای آن‌ها ارائه کند. در حالی که در تغییر روش، بایستی روش تفسیری این گونه باشد. یعنی اگر ما به دنبال تغییر سبک هستیم، باید سبک جدید پیام داشته و مفید باشد؛ در غیر این صورت، صرف جابه‌جایی لزومی ندارد.

بنابراین، مباحث نظری مربوط به این سبک را باید در ابتدا بررسی کرد. در این راستا، باید پیش‌فرض‌های ورود به سبک مذکور، روش‌ها، ضوابط، پایه‌ها، اصول، و باید و نبایدهایی را هنگام تفسیرنگاری در این سبک رعایت کنیم تا دریافت ما کامل شود. در همین زمینه، بنده کتاب «اصول تحول فرهنگی با توجه به نزول تدریجی قرآن» را که از سوی «انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی» منتشر شد، تألیف کردم. در این کتاب، توضیح داده شده است که اگر بپذیریم قرآن متنی برای فرهنگ‌سازی است، باید برای تحقق آن بپذیریم که مطالعه قسمتی از قرآن صرف‌نظر از کیفیت نزول تدریجی، شیوه فرهنگ‌سازی را در اختیار ما نمی‌گذارد و برای این کار، باید به نزول تدریجی قرآن توجه کنیم.

پس از انتشار این کتاب، طی چند سال مباحث نظری متعددی پیرامون سبک مذکور مطرح شد و نشست‌های زیادی نیز برگزار و مقاله‌هایی درباره آن از سوی استادان و پژوهشگران نوشته شد. به نوعی بارش فکری و درگیری فرهنگی - اجتماعی شکل گرفت. بنده هم موافق این جریان بودم که با دامن زدن به این موضوع، آنچه درباره این روش تفسیری در ذهن اهالی فرهنگ شکل گرفته است، مطرح شود تا گره‌ها شناسایی و باز شوند.

درباره روش تفسیر تنزیلی و تفاوتش با تفسیرهای دیگر بگوئید؟

در این کتاب مبانی تفسیر تنزیلی مطرح شده است. یک مبنا این است که روش، مشروع است یا نه. در این تفسیر توضیح داده می‌شود، پیامبر اکرم (ص) خودشان این گونه عمل می‌کردند. یعنی آیاتی را که بر وجود مبارک ایشان نازل می‌شد، برای مردم می‌خواندند و اصولاً براساس سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) قرائت آیات و سپس تفسیر آن‌ها به ترتیب نزول بوده است و سبک‌های دیگر چنین پایه‌ای از مشروعیت را ندارند.

همچنین، پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) مصحفی را که تفسیر بود، تعلیم می‌دادند و آن حضرت نیز مکتوب می‌کردند. این مصحف روزنگار بود، یعنی هر روز هر تعداد آیه که نازل می‌شد، توسط امیرالمؤمنین (ع) نوشته و به قلم ایشان توسط پیامبر (ص) شرح داده می‌شد. روایات نیز بر روزنگار بودن آیات اصرار دارند که همین روزنگار بودن آیات قرآن کریم نشان از ترتیب نزول دارد.

گاهی خود اهل بیت (ع) به روایاتی در ترتیب نزول استناد می‌کردند و برخی نگرانی‌های فقهی و معرفتی را در پرتو ترتیب نزول حل می‌کردند که این آیه ناسخ آیه دیگری است و ... بنابراین مجموعه قرآن، مدیریت خروج از ظلمات به سوی نور است. اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ دهیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه به ترتیب نزول قرآن مراجعه کنیم. در واقع، این‌ها مبانی مشروعیت کار بودند.

مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی نسبت به ترتیب و چینش سوره‌ها چند دسته هستند و چه دیدگاهی دارند؟

به نظر می‌رسد دانشمندان علوم قرآنی درباره ترتیب و چینش سوره‌ها دو نظریه دارند: دیدگاه نخست مربوط به اجماع دانشمندان علوم قرآنی و تفسیری است که ترتیب آیات در سوره‌ها را توقیفی می‌داند. یعنی به دستور شخص پیامبر (ص) بود و ایشان هم براساس همان نظم و ترتیبی که از سوی خدا برایشان نازل شده است، در سوره‌ها قرار داده‌اند و اگر استثنایی هم بود، براساس دستور پیامبر (ص) لحاظ شده است. دیدگاه دوم معتقد است، دست اجتهاد و نظر افراد در جابه‌جایی برخی آیات دخالت داشته است. البته این نظریه نادری است و نظریه و دیدگاه اول از قوت بیشتری برخوردار است. به دلیل اینکه در هیچ یک از مصاحف نوشته شده توسط صحابه پیامبر (ص)، در ترتیب آیات اختلافی وجود ندارد.

ما باید بدانیم جریان هدایت جریانی منطقی است، به‌ویژه وقتی که بعد اجتماعی آن در نظر باشد.

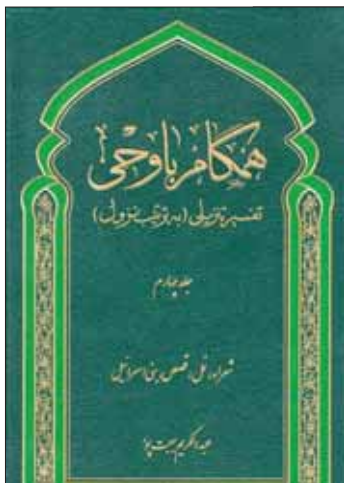
سبک پیامبر (ص) در هدایت بشر به سمت سعادت و نجات چگونه بوده است؟

پیامبر اسلام (ص) چهار مرحله جذب، تشکیل گروه، تشکیل جامعه و پایش و مراقبت از جامعه را که مراحل هدایت به سمت سعادت و نجات از شقاوت است، براساس آموزه‌های قرآن کریم انجام داده‌اند. قرآن کتاب تربیت است و این کتاب تربیت لوازمی دارد؛ چرا که تربیت امری تدریجی است.

قرآن متنی ناظر به واقع است؛ واقعیتی که به مردم عصر نزول (صدر اسلام) توجه زیادی کرده و آن‌ها را به‌عنوان گروه اول مخاطبان خود در نظر گرفته است.

این متن با واقعیت گره خورده و وقتی می‌خواهیم تفسیری از قرآن انجام دهیم، برای فهم بهتر، باید بتوانیم آن فضا و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی عصر نزول را بازسازی کنیم. یعنی تا جایی که می‌توانیم به سمت فهم فضای نزول برویم. بهترین راه بازسازی ناظر به ترتیب نزول است؛ چرا که ترتیب نزول، ادبیاتی را مطرح می‌کند و فضا را گزارش می‌دهد. بنابراین هنگامی که آیات را تفسیر می‌کنیم، باید بدانیم که با چه متنی ارتباط برقرار کرده‌ایم.

متن قرآن با ادبیات فاخر، اصطلاحاتی را تولید کرده که این اصطلاحات به تدریج وارد ادبیات دینی جامعه شده است. واژه‌هایی مانند صلاة، محسنین، متقین، حج و ...، واژه‌هایی هستند که قرآن آن‌ها را مطرح کرده و با یک



فرهنگ‌سازی برای اینکه این اتفاق بیفتد، باید بینیم قرآن دقیقاً چه کرده است؛ که لازمه این کار رعایت ترتیب نزول است. در عرصه فرهنگ، گاهی می‌خواهیم ببینیم مجموعه‌ای از مفاهیم چگونه شکل گرفته‌اند یا مسئله‌ای مانند نماز چگونه فرهنگ شده است.

۵ دیدگاه علما و مفسران فعلی درباره تفسیر تنزیلی چیست؟

۵ بین مفسران و بزرگان، به تقریظی از حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) رسیدیم. ایشان در مورد یکی از تفاسیر در مدح کار آن مفسر نوشته‌اند: ایشان کار بزرگی کرده و تناسب سوره‌ها را براساس ترتیب نزول قرآن گزارش داده است که این امر انقلابی در فهم مفاهیم قرآن است. حضرت آیت‌الله جوادی آملی نیز در تفسیر شریف تسنیم که به روش تفسیر قرآن به قرآن بحث می‌کند، می‌فرمایند: «بعضی از این‌ها فقط با توجه به ترتیب نزولش فهمیده می‌شوند.» یعنی آیه را با توجه به آن آیه در سیر نزول، می‌توانیم سیر منطقی‌اش را بفهمیم.

۵ آیا تا به حال کاری در باب تفسیر تنزیلی شروع شده است؟

۵ در تفسیر تنزیلی، تفسیر «هم‌گام با وحی» را در پنج جلد نوشته‌ام که تا کنون سه جلد آن چاپ و دو جلد دیگر در شرف چاپ است. کتاب دیگری هم با عنوان «شناخت‌نامه تفاسیر» نوشته‌ام که به‌زودی منتشر خواهد شد. در این کتاب، تمامی ۱۱۴ سوره براساس گزارش‌ها، به ترتیب نزول و براساس محتوایی منضبط و منطقی از ابتدا تا انتهای سوره آورده شده‌اند و در ادامه ارتباط این سوره با سوره قبل در ترتیب نزول تبیین شده است. آیت‌الله یوسفی غروی نیز در دو جلد نخست «موسوعه تاریخ اسلامی» تلاش کرده است، بین سوره‌ها در ترتیب نزول و سیره پیامبر (ص) ارتباط برقرار کند.

۵ به‌نظر شما چه آفت‌ها و فرصت‌هایی پیش‌روی پژوهشگران در عرصه تفسیر قرآن وجود دارد؟

۵ در برنامه مطالعاتی تفسیر، آنچه به‌عنوان یک آسیب بزرگ مطرح می‌شود، این است که پژوهشگران گمان کنند، تفسیر کاری است که در گذشته صورت گرفته و دیگر ما امروز مجالی برای آن نداریم، همین احساس که مباحث علمی قرآن اشباع شده‌اند، مهم‌ترین آفت پیش‌روی پژوهشگران قرآنی است. مسائل زیادی وجود دارند که باید وقت زیادی را صرف پاسخ به آن‌ها کنیم و در این عرصه از ظرفیت حوزه، دانشگاه، پژوهشگران و از مجموعه تیم‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ‌سازی استفاده کنیم.

تغییر و تحول با معنی خاصی آن‌ها را به دستگاه معرفتی و دستوری اسلام آورده است. برای اینکه بخواهیم قرآن را درست درک کنیم، باید بدانیم این واژه‌ها از چه زمانی وارد مفاهیم اسلامی و به‌عنوان اصطلاح مطرح شده‌اند. جالب اینکه برخی از این اصطلاحات، در گذر زمان تکامل پیدا کرده‌اند. یعنی انتظار از متقی ابتدا به‌گونه‌ای بوده که بعدها مصداق آن تغییر کرده و در همین راستا انتظار از انسان‌های باتقوا نیز بیشتر شده است؛ همان‌طور که در مسئله نماز نیز این‌گونه بوده است.

۵ اینکه رسالت قرآن، تربیت و تحول تدریجی است، به چه معناست؟

۵ کسی که قرآن را براساس ترتیب نزول آن تفسیر می‌کند، باید بداند قرآن به زبان تربیت است. از این‌رو اگر قرآن را تفسیر می‌کند، باید آن را جدا از متنی ادبی و کلامی گزارش دهد و برای تغییر و تحول، ابهام‌زدایی کند. زمانی که بدانیم قرآن کتاب تغییر و تحول است، باید به این نکته برسیم که زبان قرآن، زبان تربیت بوده و توانسته است، با این زبان، جامعه و مردم مشرک را موحد کند و توحید در همه ابعاد زندگی مردم گسترش پیدا کند. مفسر باید بداند زبان قرآن، زبان تربیتی و رسالت آن تربیت و تحول تدریجی است. تحول تدریجی به‌طور طبیعی اقتضایی دارد و در این عرصه ابتدا باید مفاهیمی وارد زندگی مردم شود، تغییری ایجاد کند و این مفاهیم دست‌به‌دست هم بدهند و مفهوم جدید یا تحول بعدی را رقم بزنند. زمانی که تحول ایجاد شد، این تحول باید پله‌ای برای تحول بعدی شود تا بتواند مردم را گام‌به‌گام جلوتر ببرد.

۵ تکنیک‌های عملیاتی در یک تفسیر چه چیزهایی هستند؟

۵ بعد از طرح اصول در این کتاب، درباره ضوابط نیز بحث‌های زیادی مطرح شده است. اینکه چگونه انسجام درونی سوره‌ها و آیات را بیشتر کنیم، و چگونه بین سوره‌ها و سوره‌های قبل در ترتیب نزول ارتباط برقرار کنیم، چگونه روایات تفصیلی را در خدمت فهم آیات قرار دهیم، و چگونه اسباب نزول را دخالت دهیم و مشکلات پیش‌رو درباره اسباب نزول را حل کنیم. این‌ها تکنیک‌های عملیاتی تفسیر هستند.

۵ فواید روش تفسیر تنزیلی قرآن کریم و نقش آن در استخراج مدل قرآنی فرهنگ‌سازی در جامعه چیست؟

۵ از فواید آن، یکی برای عرصه‌ای است که به حوزه فرهنگ و فرهنگ‌سازی مربوط است. مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی یک مقوله مهم اجتماعی و مردم‌شناسی است. مسائلی که در این عرصه مطرح‌اند، این است که چگونه زمینه‌های فرهنگی بسازیم، با اینکه مسئله‌ای را فرهنگ کرده و آن را مطرح، ارزش‌گذاری، تثبیت و مراقبت کنیم. در مرحله

حضرت آیت‌الله جوادی آملی نیز در تفسیر شریف تسنیم که به روش تفسیر قرآن به قرآن بحث می‌کند، می‌فرمایند: «بعضی از این‌ها فقط با توجه به ترتیب نزولش فهمیده می‌شوند.» یعنی آیه را با توجه به آن آیه در سیر نزول، می‌توانیم سیر منطقی‌اش را بفهمیم